

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: فرید پرواز
۱۲ جون ۲۰۱۵

اتحاد جماهیر پوتین*

روس ها با خرید احزاب راست و چپ بازی را به داخل اروپا منتقل کرده اند



گروه جهان: جنگ در اوکراین که روسیه را به رقابت علیه غرب واداشت، با تانک و تسلیحات نظامی و سرباز نیست. به گفته مقام های اروپایی و امریکائی، روسیه در رقابت با غرب به ابزارهای دیگری غیر از سلاح روی آورده است: پول، ایدئولوژی و پلیتیک. زمانی که اوباما و متحدان اروپایی اش می کوشند تا مداخله نظامی روسیه را در مرزهایش مهار کنند اما غربی ها در داخل کشور خود با چیزی دست و پنجه نرم می کنند که تصور آن را هم نمی کردند. آن «موضوع» چیست؟ تلاش هماهنگ مسکو برای افزایش نفوذ اقتصادی اش، تأمین مالی احزاب سیاسی اروپایی و گسترش آلترناتیوهای مربوط به درگیری. در واقع، روس ها بازی را به داخل اروپا منتقل کرده اند تا اهداف خود را پیش ببرند.

هدف کرملین همانا کاشت بذر نفاق، دامن زدن به بی ثباتی در اتحادیه اروپا و احتمالاً گسست در آن چیزی است که یک اجماع نسبتاً متحد - هر چند شکننده - علیه تهاجم روسیه نامیده می شود. اگر روسیه بتواند حتی یک کشور اروپایی را به مدار خود بکشد؛ در تئوری می تواند مانع وضع تحریم های جدیدی شود که تا آخر ماه جاری به پایان می رسد. به تعبیر دیگر می تواند اجماع اروپا برای تحریم های جدید را بشکند. رئیس جمهوری اوباما روز یکشنبه در حالی به المان رفت و در اجلاس گروه ۷ شرکت کرد که سال گذشته روسیه را از این گروه به دلیل حمله به اوکراین بیرون راندند. یکی از اهداف اوباما در این سفر همانا تلاش برای ایجاد هماهنگی در اروپا برای اتخاذ رویکرد سخت تر در قبال روسیه بود؛ چرا که آتش خشونت و درگیری بار دیگر در شرق اوکراین - با وجود آتش بس متزلزل - مشتعل شده است. اندکی پیش

از آغاز سفر اوپاما، مقام های امریکائی و اروپائی از سرسختی پوتین به شدت ابراز نگرانی کرده و تلاش می کردند تا اتحاد در غرب را پا بر جا نگه دارند .

جو بایدن، معاون رئیس جمهوری امریکا، ماه گذشته در سخنرانیی در مؤسسه بروکینگز اعلام کرد که «کرمین با زدن خود به در و دیوار قفس می کوشد تا احزاب سیاسی اروپائی را بخرد و با آنها همکاری کند . او تلاش دارد تا احزاب ضد سیستمی چپ و راست را در تمام اروپا تأمین مالی کند . پرزیدنت پوتین این را ابزار مناسبی برای عرض اندام می داند تا بتواند در بدنه نهادهای سیاسی اروپا شکاف ایجاد کرده و از آن بهره برداری کند.» این نتیجه گیری است که دولت بریتانیا هم با آن موافق است . فیلیپ هاموند، وزیر خارجه انگلیس در هفته گذشته گفت : «درباره مسأله پول های روسیه، بله، البته ما نگران آن چیزی هستیم که ستراتیژی کرمین برای خرابکاری نامیده می شود.» این که آیا این ستراتیژی کارگر افتد؛ باید منتظر ماند و دید .

مقام های اروپائی و امریکائی می گویند از وضع دوباره تحریم علیه روسیه در ۲۵ و ۲۶ جون در بروکسل اطمینان خاطر دارند . آلمان می گوید تحریم ها تا جنوری سال بعد تمدید شود؛ اما کشورهای کوچکتر میل به سرپیچی از برلین دارند . کشورهای کوچک معتقدند که تاب ایستادگی در برابر خشم مسکو را ندارند . اما در عین حال هیچ اشتیاقی برای افزودن بر شدت تحریم ها وجود ندارد؛ چنان که مقام های امریکائی چنین می پسندند . تلاش روسیه برای نفوذ در غرب اشکال مختلفی دارد . روسیه به طور سنتی از جایگاه خود به عنوان تأمین کننده انرژی برای تأثیرگذاری بر خریداران اروپائی استفاده کرده است . این کشور همچنان می کوشد کشورهای اروپای جنوبی مانند یونان را تحت فشار قرار دهد تا از یک پروژه خط لوله گاز طبیعی با وعده مزایای اقتصادی حمایت کند .

به گزارش نیویورک تایمز، اولیگارش های روس سال ها است بخش زیادی از پول های خود را در بانک های قبرس نگه داشته اند، چرا که این کشور کوچک همچون پایگاهی مالی برای مسکو عمل می کند . چندین سال است که روسیه هزینه آگهی های تبلیغی دولتی در روزنامه ها و وب سایت ها را در ۲۶ کشور پرداخته است (مانند نیویورک تایمز). به تازگی، این کشور پیشنهاد داده که شبکه تلویزیون بین المللی خود (RT) را توسعه دهد؛ شبکه ای که به انگلیسی و سه زبان دیگر خبر پخش کرده و سرخوشانه به نقاط ضعف کشورهای غربی مانند فرانسه و آلمان اشاره می کند . مقام های اروپائی و امریکائی، کرمین را متهم کرده اند که از جنبش های سبز در اروپا برای دامن زدن به تظاهرات حمایت کرده و در منطقه ای در سن پترزبورگ، از توییتر برای پراکندن داستان های دروغ در مورد نشأت مواد کیمیائی یا گسترش ابولا در غرب استفاده می کند . نیویورک تایمز می نویسد از مدت ها پیش از تحولات اوکراین، پول ابزاری در دست پوتین بود تا بدان وسیله تحولات در غرب را شکل دهد . پس از کناره گیری صدر اعظم، گرهارد شرودر در آلمان، به وی جایگاهی اختصاصی در شرکت گازپروم – غول انرژی روسیه - داده شد . این پیشنهاد به جورج بوش و «دونالد . اس . ایوانز»، دوست نزدیک و وزیر سابق تجارت امریکا هم داده شد اما آنها رد کردند . با این حال، پوتین از پاننشست . او کوشیده تا جای پائی در یونان، مجارستان، جمهوری چک و حتی ایتالیا و فرانسه بیابد . او نه تنها به طور سنتی می کوشد تا با چپگرایانی که از جنگ سرد به این سو با مسکو رابطه دوستانه ای داشتند، متحد شود، بلکه تلاش دارد تا وجه مشترکی هم با نیروهای راست بیابد؛ نیروهائی که علیه اتحادیه اروپا دست به طغیان زده و در حملات پوتین نسبت به آنچه که افول اخلاقی در غرب نامیده می شود، همدردی می کنند .

بارزترین نمونه «جبهه ملی» در فرانسه است که در دوره رهبری مارین لوپن اذعان کرده که ۱۱/۷ میلیون دالر وام از بانک روسی - چکی در مسکو دریافت کرده است . اگرچه گفته می شود این پول بخشی از ۵۰ میلیون دالری است که قرار است برای حضور در انتخابات ۲۰۱۷ به او داده شود اما لوپن چنین مسأله ای را انکار کرده است . «حزب آزادی» در اتریش که راست گراست هرگونه وابستگی به روسیه را تکذیب کرده؛ این خبر از سوی رقیب این حزب

یعنی «حزب سوسیال دموکرات» که چپ گراست، اعلام شد. این خبر پس از آن اعلام شد که «هاینز کریستین استراچ» رهبر حزب آزادی تصویری از خود و سایر رهبران حزبی در کنفرانسی در مسکو منتشر کرد. او در این کنفرانس خواستار پایان دادن به تحریم های روسیه شده بود.

روزنامه المانی بیلد گزارش داد که حزب ضد اروپائی «آلترناتیو برای المان» از فروش ارزان طلا به روسیه نفع برده اما این حزب منکر آن است. همچنین تحقیقاتی از برخی اعضای حزب راست افراطی «جوبیک» در مجارستان در جریان است که گفته می شود روابطی مالی با روسیه دارند. اتهامات مشابهی هم در بلغارستان و در رابطه با «حزب حمله» که راست افراطی است، وجود دارد. در اسلوواکی هم «حزب مردم» و در دولت های بالکان هم احزاب هوادار روسیه این گونه هستند. از سوی دیگر، احزاب راست افراطی که متحد مسکو هستند علیه قطعنامه های انتقادی اروپا در مورد روسیه رأی می دهند. این گروه ها ناظرانی به همه پرسی ها و انتخابات در مناطق جدائی طلب اوکراین مثل کریمه و دونتسک می فرستند و در کنار اینها برخی اعضای احزاب چپ افراطی مانند «دی لینک» در المان و «کی.کی.ای» در یونان هم حضور می یابند.

مؤسسه «The Political Capital Institute»، سازمانی تحقیقاتی در بوداپست، که برای اولین بار منافع روسیه در اروپای شرقی را در میان احزاب راست افراطی در سال ۲۰۰۹ مستند کرد، در ماه مارچ گزارش کرد که منافع مسکو اکنون به کشورهای اروپای غربی هم سرایت کرده است. این مستند حدود ۱۵ حزب راست افراطی اروپائی را که «متعهد» به روسیه هستند، فهرست کرده است. این مؤسسه می نویسد خلاف برخی برداشت ها که این وابستگی ها را عموماً «مالی» می دانند اما حقیقت این است که وابستگی سازمانی و کاری هم هست. این مؤسسه می افزاید: «بحث نفوذ نرم روسیه در میان راست افراطی پدیده ای است که اکنون در تمام اروپا دیده می شود و خطری است برای انسجام یورو -آتلانتیکی». فیونا هیل، افسر اطلاعاتی سابق روسیه که اکنون محقق مرکز بروکینگز است می گوید به استثنای حزب خانم لوپن در فرانسه، اظهارات در مورد تأمین مالی احزاب اروپائی از سوی روسیه بیش از آن که مبتنی بر حقیقت باشد مبتنی بر حدس و گمان است. او می پرسد: «مسئله این است که چقدر شواهد جدی در این باره وجود دارد. البته ممکن است به نفع روس ها باشد که به شایعات دامن بزنند و به این صورت نفوذ خود را زیاد جلوه دهند اما می توان میزانی از نفوذ را برای این کشور قائل شد».

منبع:

روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۵۰۲ به تاریخ ۹۴/۳/۲۰، صفحه ۴ (دنیا)

یادداشت:

از آنجائی که آنچه فعلاً در روسیه می گذرد، هیچ وجه مشترکی با «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» در زمان ایجاد آن ندارد تا برای مقاله عنوان «اتحاد جماهیر پوتین» انتخاب می شد، پس بهتر بود به «ایالات متحده پوتین» مسمای می گردید، زیرا چنین عنوانی هم با شکل و هم با ماهیت روسیه تطابق بیشتر دارد.

ادراه پورتال AA-AA